



## تبیین معنای گفتمانی بودن برنامه درسی از منظر هنری آرماند ژيرو و پيجویی نگاه چندفرهنگی وی در کتاب فارسی بخوانیم کتاب اول ابتدایی

امیر فرخنده<sup>۱</sup>، رضوان محمدی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران

### چکیده

هدف اصلی مقاله تبیین معنای گفتمانی بودن برنامه درسی هنری آرماند ژيرو و پيجویی نگاه چندفرهنگی وی در کتاب فارسی بخوانیم کتاب اول ابتدایی می باشد. پرسشی که در اینجا گشودگی ای برای تحلیل ایجاد می کند و بخش مسکوت مانده شده متون در این حوزه را رو می کند، این است که گفتمانی بودن برنامه آموزشی یا برنامه درسی در نگاه ژيرو به چه معناست است؟. روش پژوهش این مقاله تحلیل توصیفی می باشد که در شش گام ترسیم شده است. یافته های پژوهش در شش تحلیل آورده شده است: تحلیل ۱. قدرت و دانش در کنار هم قرار می گیرند و یک ایدئولوژی خاصی را ایجاد می کنند و یک دانش خاصی را در برنامه درسی ایجاد می کنند. این اقدام باعث می شود در مدرسه یک معنای خاصی از هویت، ارزش و امکان ساخته شود. تحلیل ۲. یک روایت خاص، یک فرهنگ خاص در کانون قرار می گیرد و مابقی روایت ها و فرهنگ ها را پس می زند، و این روایت و فرهنگ خاص برنامه درسی و آموزشی ما را شکل می دهد. تحلیل ۳. فرآیند قدرت طرد کننده هم هست و باعث می شود ما لایه هایی از حقیقت را از دست بدهیم، صدای روایت های خاص در برنامه درسی و برنامه آموزشی شنیده نشود. تحلیل ۴. نظریه مقاومت ژيرو معتقد است که باید به قلب گفتمان مسلط زد و آن را واسازی کرد و به سمت گفتمانی حرکت کرد که به همه فرهنگ ها اهمیت داده می شود. تحلیل ۵. در این دیدگاه برای رهایی بخشی برنامه درسی به گونه ای باشد که شاگرد به این موضوع پی ببرد که من سوژه گفتمان مسلط هستم و حال باید تغییراتی ایجاد کنم و حال باید کنشگری و عاملیت من رخ بدهد. تحلیل ۶. رهایی بخشی برنامه درسی باید سواد انتقادی را پرورش بدهد تا قدرت و جرئت مبارزه را برای در مقابل قدرت قرار گرفتن را به ما بدهد.

**کلیدواژه:** هنری آرماند ژيرو، گفتمانی بودن برنامه درسی، فارسی بخوانیم اول دبستان، زاویه دید چندفرهنگی



## مقدمه

هدف اصلی مقاله تبیین معنای گفتمانی بودن برنامه درسی هنری آرماند ژیرو و پیجویی نگاه چندفرهنگی وی در کتاب فارسی بخوانیم کتاب اول ابتدایی می باشد. تاکید اصلی هنری ژیرو بر این است که برنامه آموزشی نوعی گفتمان است که هم می تواند باعث سلطه بشود و نابرابری های اجتماعی و فرهنگی را ایجاد و بازتولید کند و هم می تواند عامل رهایی بخش از سلطه و نابرابری ها باشد (شارع پور، ۱۳۹۹: ۱۰۳) به طوری که با دموکراتیک کردن رابطه شاگردان در مدرسه، شهروندان دموکراتیک و جامعه دموکراتیک بسازیم و بعد انتظاری داشته باشیم از دل این جامعه دموکراتیک، یک حکومت دموکراتیک بیرون بیاید. پرسشی که در اینجا گشودگی ای برای تحلیل ایجاد می کند و بخش مسکوت مانده شده متون در این حوزه را رو می کند، این است که گفتمانی بودن برنامه آموزشی یا برنامه درسی در نگاه ژیرو به چه معناست است؟

روش پژوهش این مقاله تحلیل توصیفی می باشد که مراحل یک تحلیل توصیفی (loeb et al, 2017) به شرح زیر می باشد: مرحله ۱. یک پدیده را شناسایی کنید. که در این مقاله برنامه درسی مدنظر است. مرحله ۲. در نظر بگیرید که کدام ویژگی های پدیده برجسته تر است. ویژگی مدنظر این مقاله گفتمانی بودن برنامه درسی می باشد. مرحله ۳. ساختارها (معیارهایی) را که به بهترین شکل این ویژگی ها را نشان می دهند، شناسایی کنید. معیارهای مدنظر عبارتند از: قدرت، دانش، فرهنگ، دسیپلین، کنترل، پداگوژی انتقادی، ایدئولوژی، دستگاه دولتی، متمرکز بودن، هویت، ارزش، امکان مطیع، دموکراسی، نابرابری، بی عدالتی، انضباط. مرحله ۴. تعیین کنید که آیا الگوهای قابل مشاهده در داده ها وجود دارد یا خیر. مرحله ۵. الگوهای موجود در داده ها را که واقعیت های پدیده را توصیف می کند، به اشتراک بگذارید. مرحله ۶. تجدید نظر کنید و در صورت نیاز تکرار کنید.

## یافته ها

تاکید اصلی هنری ژیرو بر این است که برنامه آموزشی نوعی گفتمان است که هم می تواند باعث سلطه بشود و نابرابری های اجتماعی و فرهنگی را ایجاد و بازتولید کند و هم می تواند عامل رهایی بخش از سلطه و نابرابری ها باشد (شارع پور، ۱۳۹۹: ۱۰۳) به طوری که با دموکراتیک کردن رابطه شاگردان در مدرسه، شهروندان دموکراتیک و جامعه دموکراتیک بسازیم و بعد انتظاری داشته باشیم از دل این جامعه دموکراتیک، یک حکومت دموکراتیک بیرون بیاید. پرسشی که در اینجا گشودگی ای برای تحلیل ایجاد می کند و بخش مسکوت مانده شده متون در این حوزه را رو می کند، این است که گفته های بودن برنامه آموزشی یا برنامه درسی چگونه است؟

**تحلیل ۱.** مدرسه فضایی است که دانش آموزان در آن رفتار خاص، گفتار خاص، ارزش های خاصی را یاد می گیرند، نیازهای خاصی ساخته می شود و ذهنیت خاصی ساخته می شود. قدرت از دانش استفاده می کند یا به تعبیری دیگر قدرت و دانش در کنار هم قرار می گیرند و یک ایدئولوژی خاصی را ایجاد می کنند و یک دانش خاصی را در برنامه درسی ایجاد



می‌کنند. این اقدام باعث می‌شود در مدرسه یک معنای خاصی از هویت، ارزش و امکان ساخته شود که البته پداگوژی انتقادی از جهتی بر نقد چنین وضعیتی در مدرسه متمرکز می‌شود.

پداگوژی انتقادی بر تعمیق نظریه اجتماعی با تحلیل مدرسه دولتی به عنوان یک «دستگاه دولتی ایدئولوژیک» (Althusser, 2014) از طریق نقدهایی درباره تولید دانش در مدارس متمرکز است. تجزیه و تحلیل فرهنگ مدرسه، و درک انتقادی از فرآیندهای نژادی و جنسیتی (Tarlau, 2014).

**تحلیل ۲.** یک روایت خاص، یک فرهنگ خاص در کانون قرار می‌گیرد و مابقی روایت‌ها و فرهنگ‌ها را پس می‌زند، و این روایت و فرهنگ خاص برنامه درسی و آموزشی ما را شکل می‌دهد و معنای خاصی را در این برنامه درسی ایجاد می‌کند. و هم‌چون در این گفتمان غالب داریم زندگی می‌کنیم یک انسان دسیپلین شده هستیم و با درونی کردن دانش خاص از درون کنترل می‌شویم. به طور مثال فرهنگ اروپایی از طریق برنامه درسی منتقل می‌شود و به عنوان یک فرهنگ برتر به آن مشروعیت داده می‌شود و حال از طریق این فرهنگ درونی شده ما را کنترل می‌کنند، انگار هر کس غیر از این فرهنگ را داراست، فهم درستی در تشخیص زندگی برتر ندارد.

**تحلیل ۳.** فرآیند قدرت طرد کننده هم هست و باعث می‌شود ما لایه‌هایی از حقیقت را از دست بدهیم، صدای روایت‌های خاص در برنامه درسی و برنامه آموزشی شنیده نشود. اینجاست که ژیرو از تعلیم و تربیت مرزی و تربیت صدا سخن می‌گوید و معتقد است ما باید به همه فرهنگ‌ها تربیون بدهیم تا صدایشون شنیده بشود.

تعلیم و تربیت صدا در پی آن است این امکان را به وجود آورد که در نهادهای تربیتی و برنامه درسی و آموزشی صدای همه فرهنگ‌ها و گروه‌ها شنیده شود و روابط قدرت موجود از بین برود. در واقع به تحلیل این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه مردم در نظامی که به آنان تربیون برای صحبت کردن داده نمی‌شود یا اجازه داده می‌شود که فقط حرف دیکته شده زده شود بی صدا می‌شوند یا آنان چگونه فرامی‌گیرنده که خود، خود را ساکت نگه دارند. تعلیم و تربیت صدا به گروه‌های حاشیه اجازه امکان بازیابی تاریخی و هویت خود را میدهد و به مقابله و مبارزه با فرهنگی که آنان را مطیع و ساکت کرده است پردازد. در واقع این مفهوم به میزان مشارکت دانش‌آموز در ساخت معنای اجتماعی اشاره دارد. تعلیم و تربیت مرزی که از جمله نظریات مهم ژیرو در زمینه مطالعات فرهنگی است که مرزهای مدرنیته و پست مدرن را بر می‌دارد و ترکیبی از اندیشه‌های آزادیخواهانه مدرنیته و مقاومت پست مدرنیسم را ارائه می‌دهد. ژیرو گرایش به پست مدرنیسم دارد و در تعلیم و تربیت مرزی تاکید بر همین ویژگی بروز فرهنگ‌های متفاوت پست مدرن وجود دارد و تاکید بر فرهنگ‌های محلی و لزوم بروز آنها در تعلیم و تربیت است. فرهنگ برتر فرهنگ اروپایی بود که پست مدرن گذر از مرزها را مطرح می‌کند. گذر از مرز تک فرهنگی و جهان شمولی آن، گذر از مرزهای ثابت دانش که دانش را از زندگی اجتماعی دور کرده است و خاصیت انتقادی بودن را از آن می‌گیرد. تعلیم و تربیت مرزی در پی زندگی عمومی دموکراتیک است همراه با فهم عمیقی از تفاوت و چگونگی وجود تاریخی آن در بین افراد و گروه‌ها.

**9<sup>th</sup> International conference ON  
PSYCHOLOGY  
OF EDUCATION SCIENCES AND  
LIFESTYLE**

Tbilisi - Georgia

March 2022 ,6



بنابراین، ژيرو استدلال می کند که آموزش نه تنها باید به عنوان خالق دانش تلقی شود، بلکه باید خالق فعالان سیاسی نیز باشد. آموزش انتقادی باید به جای رد زبان سیاست، آموزش عمومی را با ضرورت های یک دموکراسی انتقادی پیوند دهد (Giroux, 2004, p.724).

این نوع تعلیم و تربیت به مرکززدایی فرهنگ سلطه می پردازد چون دیدچندگانه فرهنگی به دانش آموزان می دهد و باعث می شود فرهنگ موجود در کتاب های درسی را بفهمند و محدودیت های فرهنگی محتوا را درک کنند و با رفت و آمد در فرهنگ های مختلف به بازنویسی و ترسیم دوباره مرزهای موجود می پردازد. در واقع با این کار امکان بروز فرهنگ های حاشیه و حضور دیگری ممکن می شود. تعلیم و تربیت مرزی با تمامیت بخشی به برنامه درسی مخالف است و همانند فریره با تربیت بانگی مخالف است و دانش آموز باید فعال باشد (زیبا کلام مفرد و محمدی، ۱۳۹۴: ۵۹-۶۵).





درس ۶ ایران

آباد آباد  
ایران آباد  
بیدار بیدار  
ایرانی بیدار

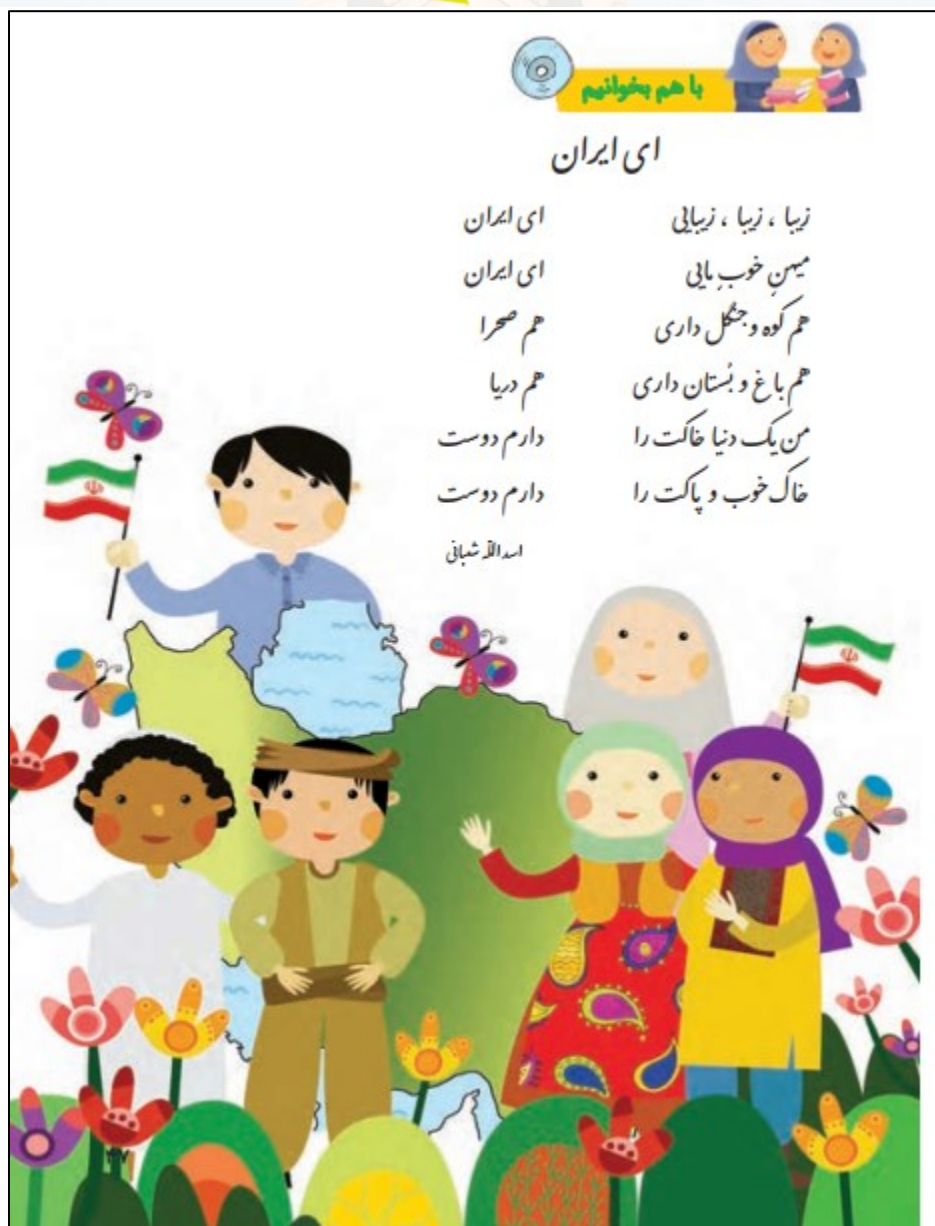
ایرانی	آمین	ایران
شرمه‌ای	سفید	آبی

آباد آدم سس اووتت ر زن ایدی‌ای ز

ایدی‌ای

۴۴

تصویر ۱. دیدگاه چندفرهنگی کتاب درسی فارسی بخوانیم اول دبستان



تصویر ۲. شنیده شدن صدای سایر قومیت ها و فرهنگ های ایرانی در کتاب درسی فارسی بخوانیم اول دبستان



## میهن ما

کشور ما ایران است.  
ایران میهن ماست. ما میهن اسلامی خود را دوست داریم.  
کشور ما بزرگ است و دریا، کوهستان ها و دشت های فراوان دارد.  
ما مردم کشور خود را دوست داریم.  
مردم کشور ما، هر جا باشند، ایرانی هستند.  
ما ایران و ایرانی را دوست داریم.



۷۹

تصویر ۳. شنیده شدن صدای سایر قومیت ها و فرهنگ های ایرانی در کتاب درسی فارسی بخوانیم اول دبستان

### جنبه های مختلف تعلیم و تربیت مرزی از نظر ژيرو

۱. اخلاق محوری: اخلاق محور تربیت باشد. (در اینجا اخلاق به عنوان مفاهیم کلی و غیر مناقشه ای که در کاهش حقوق بشر مورد توجه قرار می گیرد، معرفی می شود).





۲- دانش آفرینی و ساختار شکنی: دانش انتقادی باید راه را برای خلق دانش جدید هموار کند و با شکستن ساختارها و غلبه بر محدودیت های نظم موجود، به نتایج جدیدی برسد.

۳- با تأکید بر تربیت فرهنگی و سیاسی: مطالعات فرهنگی به عنوان آموزش عمومی در مدارس تجویز شود. پداگوژی سیاسی از مهمترین جنبه های پداگوژی در پست مدرنیسم به شمار می رود. تربیت سیاسی و مطالعات فرهنگی به عنوان محور اصلی تعلیم و تربیت تلقی می شود.

۴- نقد و بازسازی برنامه درسی: الگوهای سنتی برنامه درسی و نیز الگوهای غیبی و غیر رسمی برنامه درسی باید به شدت مورد نقد و بازسازی قرار گیرند.

۵- بازتولید فرهنگی: آموزش و پرورش باید قابلیت های لازم را در دانش آموزان به منظور بازتولید فرهنگی و ایجاد دانش جدید ایجاد کند.

**تحلیل ۴.** نظریه مقاومت ژيرو معتقد است که باید به قلب گفته‌مان مسلط زد و آن را واکاوی کرد و به سمت گفته‌مانی حرکت کرد که به همه فرهنگ ها اهمیت داده می شود به همه صداها اهمیت داده می شود. صرفاً به فرهنگ سفید پوست و اروپایی بودن به عنوان فرهنگ غالب و برتر معرفی نشود و مشروعیت نشود بلکه صدای همه فرهنگ ها شنیده بشود این گرایشی است که ژيرو به پست مدرنیسم دارد و به دنبال این است که فضای دید بازتری ایجاد کند و به حاشیه رفته ها هم توجه بشود.

**تحلیل ۵.** در این دیدگاه برای رهایی بخشی برنامه درسی به گونه ای باشد که شاگرد به این موضوع پی ببرد که من سوژه گفتمان مسلط هستم و حال باید تغییراتی ایجاد کنم و حال باید کنشگری و عاملیت من رخ بدهد.

آرونوویتز و ژيروکس (۱۹۹۱) استدلال می کنند که آموزش مطلوب در دیدگاه پست مدرنیسم، آموزشی است که در آن صداها و دیگری شنیده می شود. آنها معتقدند که آموزش و پرورش یک فرآیند سیاسی است، زیرا به دنبال حفظ چارچوب فرهنگ و اداره یک دولت خاص با ارزش های خاص است. آموزش و پرورش بزرگترین نگاهبان نظام فرهنگی گذشته است. وی با انتقاد از مسائل و مشکلات نظام آموزشی، فرهنگی، نژادی، جنسیتی، نابرابری و بی عدالتی، الگوی نظام آموزشی رادیکال یا انتقادی را پیشنهاد کرد و فرآیند یاددهی-یادگیری را بخشی از مبارزه برای ایجاد تغییرات اساسی در جامعه دانست. در آموزش انتقادی با تأکید بر طرد انضباط و ایجاد دانش میان رشته ای می کوشد اشکال جدیدی از دانش بسازد. او ضمن بیان اینکه آموزش پست مدرنیسم باید انتقادی باشد، آموزش سیاسی را در کنار بسیاری از پیروان جنبش پست مدرنیسم یکی از جنبه های مهم آموزش پست مدرنیسم می داند (Giroux, 2003).

**تحلیل ۶.** نظریه مقاومت در واقع در تلاش برای دیالکتیک کردن دید ما با آموزش سواد انتقادی برای تبدیل شده به یک ضد در برابر گفتمان مسلط است، مدرسه تبدیل بشود به یک کانون مقاومت. در واقع برای رهایی بخشی برنامه درسی باید سواد انتقادی را پرورش بدهد تا قدرت و جرئت مبارزه را برای در مقابل قدرت قرار گرفتن را به ما بدهد.





به طور کل برای رهایی بخشی باید به نکات زیر توجه کرد: ژبرو معلم را به عنوان روشنفکران تحول آفرین میدانند و برای وی هشت ویژگی را بیان میکنند. معلم باید رابطه قدرت و دانش را درک کند به این معنا که قدرت از دانش استفاده می کند و دانش خاصی را وارد برنامه درسی می کند برای حفظ وضع موجود یعنی صاحبان قدرت سلطه محتوایی ایجاد میکنند و معلم باید جنله های رهایی بخش و سلطه گرانه آن را روشن کند. معلم باید برای احیای دموکراسی اجتماعی تلاش کند و حیات دموکراتیک را در کلاس درس ایجاد کند یا احیا می کند و کلاس درس به محیطی برای گفتگوهای بین فرهنگی تبدیل میشود. معلم نقش خودش را با نقش شهروندیش با هم ترکیب کند و پایه گذار محیطهای فرهنگی مخالف سلطه باشد. معلم به عنوان منبع مقاومت در برابر هزمونی و نظام سلطه باشد یعنی در پی آن است از امکان های معلمان برای مقابله با سلطه استفاده کند و مدرسه به دست معلم به کانون مقاومت تبدیل شود. معلم به عنوان کارگزاران فرهنگی که معلمان باید مطالعات فرهنگی داشته باشند و با دیدی پویا و کثرت گرا به فرهنگ نگاه کنند. معلم به عنوان مرز گذاران فرهنگ میباشد یعنی معلم به عنوان یک ساختار شکن این مرز تک فرهنگی را بشکند و با توانمند سازی فرهنگ های حاشیه به مقابله با نظام سلطه بپردازد. معلم ماهیت اجتماعی و سازه ای دانش را درک کند و خود انتقادگر باشد و از محدودیت های موضع خود آگاهی داشته باشد (زیبا کلام مفرد و محمدی، ۱۳۹۳).

ژبرو البته استدلال می کند که برای اینکه آموزش انتقادی به عنوان شکلی از سیاست فرهنگی توسعه یابد، ضروری است که هم معلمان و هم دانش آموزان به عنوان روشنفکرانی دگرگون کننده در نظر گرفته شوند و نه صرفاً معلم بلکه دانش آموز را نیز به عنوان روشنفکر تحول آفرین در نظر می گیرد.

ویژگی های برنامه درسی از منظر وی عبارتند از تقویت مبارزه برای عدالت خواهی که خدفا آن آزادی بخشی و تقویت مبارزه برای عدالت اجتماعی است، صدای فرهنگ های مختلف شنیده شود، هیچ گروهی به حاشیه نرود، برنامه درسی عرصه گفتگو و ساخت معانی است، برنامه درسی در راستای پرورش تفکر دموکراتیک باشد، پایه های دموکراسی دانش آموزان را پرورش دهد، برنامه درسی آغشته به تجربه های خود دانش آموزان باشد. محتوایی که در این برنامه درسی مدنظر است ویژگی های آن عبارتند از: صدای گروه های مختلف در آن شنیده شود، دانش به صورت جدا از هم عرضه نشود، به تفکر و گرا و چندگرا اهمیت بدهد، معلم انتقال دهنده دانش نباشد. محتوا به گونهای نباشد که تنها کاری که می توان با آن انجام داد خوانش منفعلانه باشد. اهدافی که پی میگیرد برای نظام آموزشی عبارتند از، پرورش شهروند دموکراتیک، سیاسی و انتقادی، تقویت شهامت مدنی، پرورش امید، پرورش انسان مرز گذر، تقویت پتانسیل فرهنگ بومی (زیبا کلام مفرد و محمدی، ۱۳۹۴: ۶۷-۸۷).



## نتیجه گیری

هدف اصلی مقاله تبیین معنای گفتمانی بودن برنامه درسی هنری آرماند ژ یرو و پیجویی نگاه چندفرهنگی وی در کتاب فارسی بخوانیم کتاب اول ابتدایی می باشد. پرسشی که در اینجا گشودگی ای برای تحلیل ایجاد می کند و بخش مسکوت مانده شده متون در این حوزه را رو می کند، این است که گفتمانی بودن برنامه آموزشی یا برنامه درسی در نگاه ژ یرو به چه معناست است؟. روش پژوهش این مقاله تحلیل توصیفی می باشد که در شش گام ترسیم شده است. معنای گفتمانی بودن برنامه درسی در شش تحلیل آورده شده است: تحلیل ۱. مدرسه فضایی است که دانش آموزان در آن رفتار خاص، گفتار خاص، ارزش های خاصی را یاد می گیرند، نیازهای خاصی ساخته می شود و ذهنیت خاصی ساخته می شود. قدرت از دانش استفاده می کند یا به تعبیری دیگر قدرت و دانش در کنار هم قرار می گیرند و یک ایدئولوژی خاصی را ایجاد می کنند و یک دانش خاصی را در برنامه درسی ایجاد می کنند. این اقدام باعث می شود در مدرسه یک معنای خاصی از هویت، ارزش و امکان ساخته شود که البته پداگوژی انتقادی از جهتی بر نقد چنین وضعیتی در مدرسه متمرکز می شود. تحلیل ۲. یک روایت خاص، یک فرهنگ خاص در کانون قرار می گیرد و مابقی روایت ها و فرهنگ ها را پس می زند، و این روایت و فرهنگ خاص برنامه درسی و آموزشی ما را شکل می دهد و معنای خاصی را در این برنامه درسی ایجاد می کند. و هم چون در این گفتمان غالب داریم زندگی می کنیم یک انسان دسیپلین شده هستیم و با درونی کردن دانش خاص از درون کنترل می شویم. به طور مثال فرهنگ اروپایی از طریق برنامه درسی منتقل می شود و به عنوان یک فرهنگ برتر به آن مشروعیت داده می شود و حال از طریق این فرهنگ درونی شده ما را کنترل می کنند، انگار هر کس غیر از این فرهنگ را دارا است، فهم درستی در تشخیص زندگی برتر ندارد. تحلیل ۳. فرآیند قدرت طرد کننده هم هست و باعث می شود ما لایه هایی از حقیقت را از دست بدهیم، صدای روایت های خاص در برنامه درسی و برنامه آموزشی شنیده نشود. اینجا است که ژ یرو از تعلیم و تربیت مرزی و تعلیم و تربیت صدا سخن می گوید و معتقد است ما باید به همه فرهنگ ها تربیون بدهیم تا صدای شون شنیده بشود. تحلیل ۴. نظریه مقاومت ژ یرو معتقد است که باید به قلب گفتمان مسلط زد و آن را واسازی کرد و به سمت گفتمانی حرکت کرد که به همه فرهنگ ها اهمیت داده می شود به همه صداها اهمیت داده می شود. صرفا به فرهنگ سفید پوست و اروپایی بودن به عنوان فرهنگ غالب و برتر معرفی نشود و مشروعیت نشود بلکه صدای همه فرهنگ ها شنیده بشود این گرایشی است که ژ یرو به پست مدرنیسم دارد و به دنبال این است که فضای دید بازتری ایجاد کند و به حاشیه رفته ها هم توجه بشود. تحلیل ۵. در این دیدگاه برای رهایی بخشی شاگرد به این موضوع پی برد که من سوژه گفتمان مسلط هستم و حال باید تغییراتی ایجاد کنم و حال باید کنشگری و عاملیت من رخ بدهد. تحلیل ۶. نظریه مقاومت در واقع در تلاش برای دیالکتیک کردن دید ما با آموزش سواد انتقادی برای تبدیل شده به یک ضد در برابر گفتمان مسلط است، مدرسه تبدیل بشود به یک کانون مقاومت. در واقع برای رهایی بخشی برنامه درسی باید سواد انتقادی را پرورش بدهد تا قدرت و جرئت مبارزه را برای در مقابل قدرت قرار گرفتن را به ما بدهد.



### منابع و مأخذ:

- شارع پور، محمود. (۱۳۹۹). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: سمت.
- زیباکلام مفرد، فاطمه. محمدی، حمدالله. (۱۳۹۴). اندیشه‌های تربیتی هنری زیرو: نقد و بررسی. تهران: دانشگاه تهران.
- زیباکلام مفرد، فاطمه. محمدی، حمدالله. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی تفکر انتقادی از منظر رابرت انیس و هنری ژيرو با نظر به کاربرد آن برای اصلاح نظام تربیت معلم. فصل نامه پژوهش های کاربردی روانشناختی. شماره ۳. ۱۹-۳۸.
- اکبری شلدره، فریدون. حاجیان، فردوس. ذوالفقاری، حسن. رحمان دوست، مصطفی. سنگری، محمدرضا. صفارپور، عبدالرحمان، عمرانی، غلام رضا. فرهادی، گلزار. پورمقدم، حسین قاسم. نعمت زاده، شهین. (۱۳۹۴). فارسی بخوانیم اول دبستان. تهران: اداره ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

Loeb, Susanna; Dynarski, Susan; McFarland, Daniel; Morris, Pamela; Reardon, Sean; Reber, Sarah. (2017). Descriptive Analysis in Education: A Guide for Researchers. ED573325.

Tarlau, R. (2014). From a Language to a Theory of Resistance: Critical Pedagogy, the Limits of "Framing," and Social Change. Educational Theory, 64(4), 369-392.

<https://doi.org/10.1111/EDTH.12067>

Farmahini Farahani, Mohsen. Ahmadabadi Arani, Najmeh. (2013). Border Education with emphasizing on Giroux 's Educative implications. Procedia - Social and Behavioral Sciences 116 ( 2014 ) 1423 – 1427. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.01.409>.

Giroux, H. (2003). Public pedagogy and politics Resistance: Note on critical Theory and Educational Struggle, Educational Philosophy and Theory, Vol1, No; 35.

Giroux, H. (1998). Teachers as intellectuals : toward a critical pedagogy of learning , London: bergin and garvey, Westport, Connecticut.

Giroux, H. (1991). Toward a postmodern Pedagogy. Section of the Introduction to Postmodernism, Feminism, And cultural Politice. Albany: State University of New York press.

Althusser, Louis. (1984). Ideology and Ideological State Apparatuses. in Essays on Ideology. London: Verso.